جستار

بروکسل یا وین، آیا مسأله این است؟

جلال میرزایی
تحلیلگر مسائل سیاسی و بین الملل

دولت سیزدهم و تیم سیاست خارجی سید ابراهیم رئیسی با محوریت حسین امیرعبداللهیان و علی باقری کنی به جای پرداختن به نکات کلیدی، به کارگیری دیپلماسی فعال، هوشمند، منعطف و واقع بینانه برای حل مناقشه پرونده فعالیت‌های هسته‌ای، تنش‌زدایی با هدف احیای قدرت اقتصادی و معیشتی و حفظ منافع ملی سعی می کند به نکات بسیار کم اهمیت و بی‌اهمیت بپردازد، به گونه‌ای که طی هفته‌های اخیر اصول، مبانی و نکات کلیدی دیپلماسی هسته‌ای کشور در حاشیه قرار گرفته است و حاشیه‌ها به متن سیاست خارجی دولت سید ابراهیم رئیسی بدل شده‌اند. اما چرا دولت سیزدهم این خط مشی را برگزیده است؟ در پاسخ می‌توان گفت که این دولت و قدرت یکدست شده در کشور به دنبال آن است که حتی در ظاهر آنچه دولت حسن روحانی به خصوص در حوزه سیاست خارجی، مذاکره و دیپلماسی هسته‌ای اجرا کرده است را تکرار نکند تا اصطلاحا اینگونه به افکار عمومی و رسانه‌ها القا شود که ما یعنی دولت سید ابراهیم رئیسی مقلد دولت روحانی نیستیم، بلکه با یک فکر جدید، با یک رویه جدید، با یک تیم جدید، در یک مکان جدید و با ادبیات جدید به دنبال گفت‌وگو و مذاکره هستیم تا شکست‌های دولت روحانی و دیپلماسی ظریف که عامل اصلی بروز مشکلات و بحران‌های داخلی است تکرار نشود. اکنون به جای تلاش برای احیای برجام سعی دارد مکان مذاکرات را به بروکسل ببرد؟ به واقع فرق وین با بروکسل چیست؟ چرا حضرات و آقایان شرایط حاد و بحرانی کشور را درک نمی کنند؟ آقایان این تصور را دارند که مذاکره یعنی دادن امتیاز، مذاکره یعنی عقب‌نشینی، مذاکره یعنی شکست، مذاکره یعنی به بن بست رسیدن تلاش‌ها و ...؛ در صورتی که مذاکره فی نفسه، نه امری مثبت است، نه منفی، مذاکره امری خنثی است، مذاکره یک ابزار برای رسیدن به منافع است، مذاکره یک اهرم است، مذاکره یک مسیر است. هر دولتی و هر کشوری که مذاکره را در دستور کار قرار دهد لزوما به این معنا نیست که سیاست‌های آن دولت و کشور به شکست رسیده است و یا در اصول و مبانی خود عقب‌نشینی کرده است، بلکه به این معناست که آن کشور و آن دولت بر اساس اقتضائات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و ... در داخل و منطقه سعی می کند از دیپلماسی و مذاکره برای رسیدن به اهداف و منافع استفاده لازم را ببرد. چون قطعاً دیپلماسی و مذاکره یک ابزار و اهرم با کمترین هزینه و بیشترین فایده و سود است. از این رو دولت سید ابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللهیان، علی باقری کنی یا هر فرد دیگری نباید این نکته مهم را فراموش کنند که اکنون در شرایط بحرانی کشور که اقتصاد و معیشت به بدترین وضعیت خود رسیده است باید از هر ابزاری برای بهبود شرایط کشور استفاده کنند. در این بین بهترین ابزار دیپلماسی و مذاکره است؛ مذاکره، نه شکست است، نه عقب نشینی، نه دادن امتیاز؛ مذاکره یعنی مذاکره و دیپلماسی یعنی دیپلماسی. نکته مهمتر اینجاست که دولت سید ابراهیم رئیسی و در کل نظام جمهوری اسلامی ایران در سایه همان نگاه به مذاکره و دیپلماسی متاسفانه احیای برجام را به یک تابو در سیاست خارجی بدل کرده‌اند. به هر حال در هشت سال گذشته تمام حملات، هجمه‌ها، انتقادات، توهین‌ها، تحقیرها، تخریب ها، تهدیدها و ... به برجام، مذاکرات، دیپلماسی، ظریف، روحانی در دستور کار قرار گرفت و رسانه‌های جریان قدرت در داخل کشور عملاً توافق هسته‌ای را به یک تابوی سیاسی در نزد افکار عمومی ایران بدل کرده‌اند. اکنون که دولت سید ابراهیم رئیسی از همان جریان به قدرت رسیده است نمی‌تواند در کوتاه مدت این تابو را بشکند و احیای برجام را در دستور کار قرار دهد، بلکه در یک بازه زمانی باید به تدریج افکار عمومی را به این سمت پیش ببرد که دیگر دیپلماسی، احیای برجام و مذاکره تابو نیست. لذا تلاش جدی این جریان قدرت بر آن است که اینگونه القا شود دیگر دولت رئیسی تصمیمات، اقدامات و عملکرد دولت روحانی را به خصوص در حوزه سیاست خارجی و مذاکره تکرار نمی کند. دولت و شخص امیرعبداللهیان هنوز تکلیف خودرا در حوزه سیاست خارجی روشن نکرده‌اند. پس اگر بپذیریم که از فحوای سخنان آقای امیرعبداللهیان اینگونه بر می آید که او نه ظریف است، نه جلیلی، باید روشن کند که او کیست؟ چه مشی دیپلماتیکی را برای کشور برگزیده است؟ به هر حال، چه ظریف، چه جلیلی و یا هر فردی بر اساس تفکرات خود یک پارادایمی را در حوزه سیاست خارجی تعریف کردند و بر اساس آن عمل نمودند، اما به نظر می‌رسد که دولت رئیسی و شخص امیرعبداللهیان در حوزه سیاست خارجی هنوز تکلیفشان با خودشان روشن نیست. مضافا در همین مدت شاهد عملیات‌های جاسوسی، خرابکاری، سرقت اسناد، ترور و ... از طرف اسرائیلی‌ها و به موازاتش نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز و به خصوص جمهوری آذربایجان هم بسیار جدی است. ضمنا اگر آمریکا از افغانستان خارج شده است در عوض حکومت طالبان روی کار آمده است که مطمئن باشید در میان مدت تهدید جدی امنیتی برای شرق کشور خواهد بود. پس آقایان با همین مفروضات سعی دارند اینگونه القا کنند که اکنون فرصت بسیار مهمی برای کشور به‌وجود آمده است تا قدرت خود را در حوزه منطقه‌ای، هسته‌ای، نظامی و دفاعی برای بالا بردن توان چانه زنی بیشتر کنند. در صورتی که واقعیت‌ها حاکی از آن است که مرتبا نفوذ ما رو روبه صعود نیست. در عین حال نگاه سیاست خارجی دولت رئیسی برای افزایش مناسبات منطقه‌ای با همسایگان در گرو حل برخی مسائل مانند احیای برجام و FATF است. نباید فراموش کنیم احیای روابط با ریاض می‌تواند مشوق و محرکی برای دیگر کشورهای همسو با عربستان در خصوص احیای روابط با ایران باشد. ضمنا در شرایط نا به سامان اقتصادی و معیشتی کنونی دیگر جمهوری اسلامی ایران توان پرداخت هزینه نفوذ منطقه‌ای ندارد. سعی بر آن است که یک دیپلماسی منعطف در منطقه را برای مدیریت هزینه در دستور کار قرار دهد. غافل از اینکه نشست بغداد و احیای روابط با عربستان سعودی به احیای برجام و نتیجه نشست وین گره خورده است.

دکتر بهمن آرمان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

«مدیران امنیتی» را به «مدیران فن سالار» ترجیح ندهید

شرایط کشور سبب مهاجرت مدیران نخبه شده است
رئیسی باید در انتخاب اعضای کابینه از مشی هاشمی استفاده می کرد
مشکلات اقتصادی به دلیل حضور مدیران ضعیف در عرصه تصمیم گیری است
سفرهای استانی دارای پشتوانه مالی تعریف شده نیست
بپذیرید که امروز علم حرف اول را در جهان می زند

عکس: آرمان ملی /فاطمه فتاحی

آرمان ملی – احسان انصاری: بحران اقتصادی کشور مدت‌هاست که بسیاری از موضوعات دیگر را به حاشیه برده است. در چنین شرایطی انتظار بود که دولت سیزدهم که با شعارهای اقتصادی و تغییر در سفره مردم روی کار آمد بتواند این بحران‌ها را کاهش بدهد و در زمینه معیشتی مردم تغییر ایجاد کند. با این وجود هنوز که نزدیک به سه ماه از آغاز دولت می گذرد استراتژی مدون و کاربردی از سوی دولت برای تغییر در وضعیت معیشتی مردم به وجود نیامده است. از سوی دیگر تناقض گویی های برخی از مدیران اقتصادی و عدم انسجام در تیم اقتصادی دولت رئیسی مشهود به نظر می رسد. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر بهمن آرمان اقتصاددان گفت و گو کرده است. وی در این زمینه معتقد است: «تیم اقتصادی که آقای رئیسی انتخاب کرده ضعیف است و فضای امنیتی و اطلاعاتی که در دوران احمدی نژاد موجب نادیده گرفته شدن تکنوکرات‌ها و فن گرایان در کشور شد امروز هم در عرصه مدیریتی کشور وجود دارد و این رویکرد ادامه پیدا کرده است. امروز ما با پدیده نگران کننده‌ای مواجه شده‌ایم که بسیاری از مدیرانی که در طول چهل و سه سال گذشته به کشور خدمت‌های بزرگی کرده‌اند در شرایط کنونی از کشور مهاجرت کرده‌اند و در کشورهای دیگر زندگی می کنند. اگر آقای رئیسی رویکردی که آقای هاشمی در انتخاب مدیران استفاده کردند را دنبال می کردند امروز با مدیران قوی تری در کشور مواجه بودیم که می توانستند منشأ خدمات زیادی باشند. ادامه مشی آقای هاشمی باعث می شد که امروز ما با اقتصادی قوی تر مواجه بودیم و با این همه چالش روبه رو نبودیم». در ادامه ماحصل این گفت و گو را می خوانید.

یکی از مهم ترین مطالبات مردم از دولت سیزدهم حل مشکلات اقتصادی بود که می توانست به بازگشت امید و اعتماد اجتماعی به جامعه کمک کند. دولت سیزدهم در این زمینه چه اقداماتی انجام داده است؟ چرا به‌رغم اینکه آقای رئیسی در مناظره‌های انتخاباتی عنوان کردند در سفره‌های مردم تغییر ایجاد شد اما هنوز این اتفاق رخ نداده، بلکه قیمت کالاهای اساسی همچنان در مسیر صعودی قرار دارد؟

میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم نسبت به ادوار گذشته پائین تر بود. با این وجود مردم امیدوار بودند با روی کار آمدن دولت جدید در وضعیت معیشتی خود تغییر را احساس کنند. این در حالی است که این اتفاق رخ نداده است. همان‌طور که آقای محسن رضایی معاون اقتصادی رئیس جمهور عنوان کردند بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کشور ارتباطی به سیاست خارجی، تحریم‌ها و پذیرش اف ای تی اف ندارد و بیشتر مشکلات ریشه در حضور مدیران ضعیف، بی‌انگیزه و منفعل در عرصه تصمیم گیری کشور دارد. ایران باید دارای رفتاری متناسب با توانایی خود در عرصه بین‌المللی باشد اما مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد ریشه در رویکردی است که ایران در عرصه بین المللی در پیش گرفته است. امروز ما در زمینه روابط بین المللی با تنش‌های زیادی مواجه هستیم. وضعیت به صورتی است که ما همسایه‌های خود در منطقه نیز مشکل داریم و هنوز نتوانسته‌ایم این مشکلات را حل کنیم. واقعیت این است که هنوز مشخص نیست دولت سیزدهم عزمی برای توسعه اقتصادی در کشور دارد یا خیر. سفرهای استانی آقای رئیسی که به صورت هفتگی انجام می‌شود بارقه‌های امیدی را در بین مردم به وجود آورده است. با این وجود این بارقه امید باید دارای پشتوانه مالی باشد که در شرایط فعلی این پشتوانه مالی وجود ندارد.

> آقای رئیسی و اعضای کابینه عنوان می‌کنند ما تلاش خواهیم کرد که در وضعیت معیشتی مردم تغییر ایجاد کنیم تا میزان رفاه مردم افزایش پیدا کند. با این وجود دولت باید این سوال را از خود بپرسد که چرا در طول چهل سال گذشته شرایطی به وجود آمده که اقلام اساسی مورد نیاز مردم اغلب وارداتی هستند

در شرایطی که سفرهای استانی بارقه‌های امید را در بین مردم ایجاد کرده اما دارای پشتوانه مالی نیست آیا سبب بالا رفتن انتظارات و عدم توانایی دولت در تحقق مطالبات مردم نخواهد شد؟ آیا در چنین شرایطی در درازمدت امید مردم کاهش پیدا نمی کند؟

آقای رئیسی در سفرهای استانی که انجام داده‌اند دستور راه‌اندازی طرح‌هایی را صادر کرده‌اند. نکته مهم در این زمینه تنها دستور نیست و بلکه باید در پشت این دستورها راهکار عملی و اجرایی نیز وجود داشته باشد. راهکار عملی نیز زمانی تحقق پیدا می کند که این دستورات دارای پشتوانه مالی باشد. به عنوان مثال آقای رئیسی برای استان خوزستان که با بحران‌های جدی مواجه است استاندار ویژه انتخاب کردند که دارای اختیارات ویژه و با اختیارات بیشتر از سایر استان‌ها باشد. با این وجود آنچه در عمل مشاهده می‌شود این است که استاندار انتخابی دارای مقبولیت لازم برای انجام مأموریت‌های بزرگ نیست. بسیاری از اقدامات مهم متأثر از توانایی افراد و قابلیت تصمیم گیری آنهاست. این وضعیت در کشورهای توسعه یافته نیز وجود دارد و قابلیت‌های فردی و تصمیم گیری مدیران در بهبود وضعیت نقش دارد. به عنوان مثال در انگلستان خانم تاچر یک اقتصاد ورشکسته را از حزب سوسیالیست کارگر تحویل گرفت اما یک اقتصاد پویا که برای چند سال نیز به عنوان بهترین اقتصاد اروپا شناخته می‌شد را تحویل داد. کشوری که روزی صد کیلومتر نیز آزادراه نداشت امروز در وضعیتی قرار دارد که همه کشور به شبکه آزادراهی مرتبط است. از سوی دیگر در انگلستان قطارهای با سرعت پایین را به قطارهایی با سرعت بالا تبدیل کردند. پروژه بزرگ تونل زیردریایی مانش را از طریق یک شرکت سهامی عام را ساختند. اگر خانم تاچر به عنوان نخست وزیر را با خانم «ترزا می» که ایشان نیز نخست وزیر بودند اما نتوانستند تغییرات محسوسی در وضعیت کشور انگلستان به وجود بیاورند مقایسه کنیم به قابلیت‌های فردی مدیران در تغییرات مهم در یک جامعه پی خواهیم برد. ترزا می تنها کاری که کرد این بود که زمینه‌های خروج انگلستان را از اتحادیه اروپا به وجود آورد و با این اقدام بزرگترین ضربه را به اقتصاد این کشور وارد کرد. این وضعیت در آلمان نیز وجود داشت. اگر وضعیت اقتصادی دورانی که خانم مرکل قدرت را در این کشور تحویل گرفت را با وضعیت امروز مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که در طول این سال‌ها چه تحول بزرگی در اقتصاد ایران کشور رخ داده است. واقعیت این است که ترکیب کابینه آقای رئیسی منسجم نیست.

چرا کابینه رئیسی هنوز نتوانسته به یک انسجام درونی برسد؟

برای پاسخ به این سوال باید به وضعیت وزارتخانه‌ها توجه کرد. به عنوان مثال اگر به رویکرد وزارت صمت در این مدت دقت کنیم متوجه می‌شویم که ضعف‌های مهمی در این وزارتخانه وجود دارد. این وضعیت درباره وزارت مسکن نیز وجود دارد. در شرایط کنونی سخنان ضد و نقیضی از سوی وزیر و مدیران این وزارتخانه درباره ساخت یک میلیون مسکن در سال شنیده می‌شود. این در حالی است که در ترکیه دولت موفق شدن در مدت کوتاهی عملا حاشیه نشینی را با ساخت مسکن و استفاده از تکنولوژی‌های مدرن از بین ببرد. از سوی دیگر بافت فرسوده را نیز تخریب کردند و به جای آن مسکن ساخته شد. در ایران ما دارای تکنولوژی‌های مدرن ساخت مسکن نیستم و حتی شرکت‌های ترکیه‌ای که در ایران هستند قادر هستند یک برج ۱۶ طبقه را در پرند و پردیس در مدت هشت ما به‌صورت کامل تحویل بدهند. شرکت‌های ایرانی از این دانش و توانایی برخوردار نیستند. در چنین شرایطی در اظهارات آقای رستم قاسمی وزیر مسکن و شهرسازی هیچ گونه اظهار نظری مبنی بر استفاده از شرکت‌های خارجی در ساخت مسکن در ایران مشاهده نمی کنید. برخی تصور می کنند ما با همین روش‌های سنتی قصد داریم سالی یک میلیون واحد مسکونی بسازیم. بدون شک با تکنولوژی که ما دراختیار داریم این کار امکان پذیر نخواهد بود. در توسعه صنعتی پایین دستی و بالا دستی نفت نیز دیدگاه‌های وزیر نفت با وزیر نفت دولت دوازدهم متفاوت است و معتقد است که ما باید به جای فروش نفت خام فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی را صادر کنیم. بدون تردید همه این موضوعات نیازمند سرمایه، تکنولوژی و روابط سازنده با کشورهای جهان است. در شرایط کنونی به دلیل اینکه ما از روابط اقتصادی با کشورهای دیگر برخوردار نیستیم و شرایط آن فراهم نیست در برخی موارد هزینه واردات برای ما تا۳۵ درصد بیشتر از وضعیت معمولی است.

آیا دولت رئیسی در طول ماه‌های گذشته واقعیت‌های جامعه را به‌خوبی درک کرده و از حالت شعاری خارج شده است؟

آقای رئیسی و اعضای کابینه عنوان می کنند ما تلاش خواهیم کرد که در وضعیت معیشتی مردم تغییر ایجاد کنیم تا میزان رفاه مردم افزایش پیدا کند. با این وجود دولت باید این سوال را از خود بپرسد که چرا در طول چهل سال گذشته شرایطی به وجود آمده که اقلام اساسی مورد نیاز مردم اغلب وارداتی هستند. این در حالی است که قیمت تولیدات کشاورزی مانند گندم، جو، ذرت و دانه‌های روغنی در بازارهای جهان رکورد خود را شکسته و گران شده است. در چنین شرایطی هیچ اظهارنظری از سوی وزیر کشاورزی مبنی بر اینکه قرار است به تکنولوژی نوین آبیاری زیرسطحی دست پیدا کنیم. آبیاری زیر سطحی از این نظر حایز اهمیت است که میزان برداشت آب را نصف می‌کند و برداشت محصول را تا ۴۰ درصد افزایش می دهد. در شرایطی که هیچ اظهار نظر و اقدامی در این زمینه صورت نمی گیرد در صداوسیما به صورت مرتب تبلیغاتی درباره واردات گندم، شکر و نهادهای دامی صورت می‌گیرد. نکته نگران کننده تر اینکه به دلیل خشکسالی سال گذشته در شرایط کنونی ایران نیازمند واردات هشت میلیون گندم است که رقم وحشتناکی است. کشوری که مانند ایران که نباید جمعیت آن بیشتر از هفتاد میلیون نفر باشد و یا پنجمین کشور وارد کننده جو در میان کشورهای جهان باشد و یا سالانه در حدود ۵/۵ میلیون تن ذرت به قیمت ۱/۵ میلیون دلار وارد کند برای آینده کشور نگران کننده است. اگر ما بتوانیم از تکنولوژی‌های جدید در کشاورزی استفاده کنیم و سیستم‌های سنتی را به سیستم‌های جدید تبدیل کنیم با توجه به تنوع آب و هوایی که داریم قادر خواهیم بود واردات خود را به صورت محسوس کاهش بدهیم. اینکه ما بگوییم نفت را به صورت خان می‌فروشیم و به ازای آن گندم و شکر و روغن نباتی وارد می‌کنیم هنر نیست و نشان دهنده ضعف ماست. واقعیت این است که با شعار و مسائلی که جنبه علمی ندارد نمی توان در کشور تغییر ایجاد کرد. مسئولان و نیزحاکمیت در ایران بالاخره باید بپذیرد که علم در جهان حرف نخست را می زند. به‌همین دلیل باید از تکنوکرات‌ها و فن گرایان که سیاسی نیستند در مدیریت جامعه استفاده کند.

چگونه می توان به سمتی حرکت کرد که از مدیرات تکنوکرات و فن گرایان در کشور استفاده کرد؟

ما باید بپذیریم که میزان انتخاب مدیران نباید دیدگاه‌های سیاسی آنها باشد و بلکه باید توانایی و تخصص آنها باشد. من در این زمینه مثالی می‌زنم. رئیس بانک مرکزی در آمریکا از دولت ریگان تا جورج بوش پسر آقای گریزمن بود و هر رئیس جمهوری در این کشور روی کار می‌آمد ایشان را تغییر نداد. سوال اینجاست که ما در ایران تشکیلات بزرگ و مهمی مانند بانک مرکزی را به چه کسی واگذار کردیم؟ از سوی دیگر وزارت صمت که دارای اهمیت زیادی است را به کسی واگذار کرده‌ایم که از پشتوانه اجرایی کافی برخودار نیست. این موضوع درباره برخی دیگر از وزارتخانه‌ها نیز وجود دارد و حتی آقای رئیسی نیز صدایشان بلند شد که برخی در دولت از من سهم خواهی می کنند. به همین دلیل نیز ما امروز با یک تیم اقتصادی ناهمگن مواجه هستیم که این ناهمگنی با توجه به تنش‌هایی که در سیاست خارجی وجود دارد می‌تواند آینده نامطلوبی را برای ما رقم بزنند. امروز در حدود ۱۰۰ روز از سفر آقای رئیسی به استان خوزستان می گذرد. در چنین شرایطی رئیس جمهور باید از استاندار خوزستان بپرد که در این مدت چه اقداماتی در این استان صورت گرفته است. استان خوزستان به دلیل اینکه ۹۰ درصد نفت ایران در آنجا تولید می‌شود از اهمیت زیادی برای کشور برخوردار است و ۱۲/۵ درصد در تولید ناخالص کشور سهم دارد. استان خوزستان یک استان معمولی نیست و در عمل یک کشور را تغذیه می‌کند.

> اگر به رویکرد وزارت صمت دقت کنیم ضعف‌های مهمی در این وزارتخانه وجود دارد. این وضعیت درباره وزارت مسکن نیز وجود دارد. سخنان ضد و نقیضی از سوی وزیر و مدیران این وزارتخانه درباره ساخت یک میلیون مسکن در سال شنیده می‌شود

چرا استراتژی اقتصادی دولت سیزدهم هنوز برای کارشناسان مشخص نیست؟ آیا مشخص نبودن استراتژی اقتصادی دولت به معنای نداشتن یک استراتژی مدون و کاربردی است؟

واقعیت این است که تیم اقتصادی که آقای رئیسی انتخاب کرده ضعیف است و فضای امنیتی و اطلاعاتی که در دوران احمدی نژاد موجب نادیده گرفته شدن تکنوکرات‌ها و فن گرایان در کشور شد امروز هم در عرصه مدیریتی کشور وجود دارد و این رویکرد ادامه پیدا کرده است. امروز ما با پدیده نگران کننده‌ای مواجه شده‌ایم که بسیاری از مدیرانی که در طول چهل و سه سال گذشته به کشور خدمت‌های بزرگی کرده‌اند در شرایط کنونی از کشور مهاجرت کرده‌اند و در کشورهای دیگر زندگی می کنند. اگر آقای رئیسی نیز از رویکردی که آقای هاشمی در انتخاب مدیران استفاده کردند را دنبال می کردند امروز با مدیران قوی‌تری در کشور مواجه بودیم که می‌توانستند منشأ خدمات زیادی باشند. ادامه مشی آقای هاشمی باعث می‌شد که امروز ما با اقتصادی قوی تری مواجه بودیم و با این همه چالش روبه رو نبودیم.

زهرا نژادبهرام در گفت و گو با «آرمان ملی»:

دولت در حوزه سیاست خارجی تکلیف مردم را مشخص کند

سکوت دولت درباره مسائل اصلی کشور باید شکسته شود
دولت چگونه تبعات طرح صیانت از کاربران را کنترل می کند؟
دولت برنامه مشخصی برای اداره کشور ندارد
رئیسی باید یک برنامه کوتاه مدت داشته باشد

آرمان ملی – علیرضا پورحسین: بیش از دو ماه از آغاز به کار دولت می گذرد و برخی از کارشناسان بر این باورند که دولت سیزدهم، تا این لحظه نتوانسته هیچ یک از شاخص‌های توسعه کشور را ارتقا دهد. صاحب نظران بر این باورند که امروز می توان با اشاره به شاخص‌های توسعه یافتگی و شاخص‌های عدم توسعه این امر را ثابت کرد. مشخصا زمانی می توان گفت که یک دولت به‌خوبی عمل کرده است که شاخص‌های مثبت را ارتقا و شاخص‌های منفی را نیز کاهش داده باشد. در همین راستا انتقادات از سفرهای استانی دولت سیزدهم نیز آغاز شد و بسیاری بر این باور هستند که سفر استانی به تنهایی نمی تواند راهگشا باشد و نیاز به مکمل هایی دارد. از سوی دیگر مقصر جلوه دادن سایر دولت‌ها دردی از دردهای مردم نمی تواند دوا کند. دولت سیزدهم باید توجه داشته باشد مشکلات امروز ایران جز از مسیر آشتی و صلح با جهان حل نمی‌شود. تا زمانی که درب‌های کشور به روی سایر کشورها بسته باشد، همین مشکلات را خواهیم داشت. بسیاری بر این باور هستند که امروز سفرهای استانی چه فایده‌ای دارد زمانی که منجر به کاهش قیمت‌ها نمی‌شود و هر روز نیز مردم بیشتر با گرانی دست‌وپنجه نرم می کنند. در این میان برخی معترض شده‌اند و بر این باورند که هیچ کدام از شاخص‌های رفاهی و اقتصادی در دو ماه گذشته بهتر نشده است و این نشان می دهد که مسیر دولت اشتباه است و باید از همین ابتدا مسیر درست را در پیش گیرد تا سنگ بنای تلاش‌های دولت سیزدهم از ابتدا اصولی و درست باشد. در راستای بررسی عملکرد دولت سیزدهم، «آرمان ملی» گفت و گویی با زهرا نژادبهرام، فعال سیاسی اصلاح طلب داشته است که در ادامه می خوانید.

عملکرد دولت سیزدهم را از زمان تشکیل کابینه تا به امروز چگونه ارزیابی می کنید؟

برخلاف ظاهر اینکه نگاه‌ها نسبت به عملکرد دولت سیزدهم از ابتدا تا به امروز مثبت نبوده به این علت است که برنامه مشخصی برای پیشبرد اهداف کشور نداشته است و برخلاف آنچه گفته شد که چندین هزار صفحه برنامه مدون شده اما در عمل برنامه خاصی را ما مشاهده نکرده‌ایم و یا حداقل با مردم در میان گذاشته نشده است تا مردم نسبت به آینده خود آگاه باشند. احساس ما این است که دولت برنامه‌ای مشخصی برای اداره کشور در کوتاه مدت ندارد. به همین علت است که بیش از دو ماه از آغاز به کار دولت سیزدهم می گذرد و اتفاق خاصی رقم نخورده تا حداقل امید مردم به آینده را بیشتر کند. دولت سیزدهم تغییرات زیادی در مجموعه‌های مدیریتی کشور و وزارتخانه‌ها ایجاد کرده است اما این تغییرات هنوز منجر به تغییر مثبتی در کشور نشده و تا به امروز نتیجه ملموسی نداشته است. امروز ایران با چند مشکل مواجه است که نسبت به سایر چالش‌ها از اولویت بیشتری جهت رسیدگی برخوردار هستند و در همین راستا همه انتظار داشتیم تا دولت سیزدهم یک برنامه کوتاه مدت در ابتدا داشته باشد تا برای مثال در ظرف مدت ۶ ماه حداقل یکی از فشارهایی که بر مردم وارد می‌شود را کمتر کند اما به این سمت حرکت نکردند و چنین برنامه‌ای تا به امروز نداشته‌اند که بخواهند آن را عملی کنند.

عملکرد دولت در حوزه روابط با سایر کشورها و کنش در عرصه سیاست خارجی مثبت بوده است؟

بیش از دو ماه از آغاز به کار دولت سیزدهم گذشته اما مردم در حوزه سیاست خارجی، موضع شفاف دولت را نمی‌دانند. هنوز مشخص نیست که دولت سیزدهم برنامه‌ای برای احیای برجام دارد یا خیر. دولت در حوزه سیاست خارجی یک مسیر پر پیچ و خمی را آغاز کرده است که آینده آن ابهامات زیادی دارد. مردم می‌خواهند تکلیف خودشان را بدانند که آیا دولت مذاکره خواهد کرد یا خیر تا از بلاتکلیفی خارج شوند. صورت مساله‌ها در تمامی حوزه‌ها باید برای مردم حل شود تا بدانند دولت به چه گونه‌ای عمل می کند. از سوی دیگر در دو ماه گذشته اتفاقات دیگری نیز در رابطه با روابط ایران با سایر کشورها رخ داده است که عکس‌العمل دولت نسبت به آنها خوب و کافی نبوده است. اتفاقات و تنش‌هایی در هفته‌های اخیر در مرزهای شمالی ایران رقم خورده است که نگرانی‌هایی به وجود آورد اما دولت به خوبی در این عرصه کنشگری نکرده و عکس‌العمل خوبی نداشته است. از سوی دیگر شاهد بودیم که کشتی‌های ایرانی را به بنادر چینی راه نمی‌دهند اما باز هم موضع گیری خوبی نشده است. در این حوزه نیز احساس می‌شود که دولت سیزدهم برای ارتباط گیری با سایر کشورهای جهان برنامه‌ای ندارد. انتظار می رفت که دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی با کشورهای همسایه ارتباط برقرار کند و مسائل دوجانبه را حل و فصل کند اما علاوه بر این که در این حوزه توفیقی به دست نیامده، تکلیف مهم‌ترین پرونده سیاست خارجی ایران نیز مشخص نشده است و این بلاتکلیفی اصلا به نفع کشور نخواهد بود.

عملکرد دولت در حوزه معیشت خانوار و اقتصاد نیز به تبع همین مسائل سیاسی قابل قبول نیست؟

اینکه گفته می‌شود این دولت خوب است یا خوب نیست امروز محل بحث ما نیست. انتظار از دولت یا همان قوه مجریه، برنامه داشتن و اجرای خوب برنامه‌ها و قوانین کشور است. امروز به نظر می‌رسد که مسئولان در حوزه اقتصادی دست‌های خود را بالا گرفته‌اند و تسلیم شده‌اند و هیچ کاری انجام نمی‌دهند تا آرامش روانی بر جامعه حاکم شود و یا سفره مردم بهتر شود. هنوز تکلیف بازار ارز در دولت سیزدهم مشخص نشده است. هیچ کس انتظار ندارد ظرف مدت دو ماه مشکلات حل شود اما حداقل می‌توان گفت که دستورالعمل دولت برای ۶ ماه ابتدایی چیست؟ امروز وضعیت اقتصادی کشور به‌گونه‌ای است که نسخه کوتاه مدت نیاز دارد زیرا زندگی کردن برای بسیاری از مردم سخت شده است. امروز با وجود اینکه آمار مرگ و میر کرونا کاهش پیدا کرده است اما مردم همچنان درگیر این همه‌گیری هستند و شاهد هستیم روزانه حدود ۱۶۰ نفر جان خود را از دست می‌دهند که این عدد کمی نیست و باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود. با توجه به توضیحاتی که مسئولان وزارت بهداشت داده‌اند شاید این آمار سه برابر نیز باشد و همین یک فشار سنگین بر جامعه تحمیل کرده است که نیاز است از دوش مردم با برنامه‌های کوتاه مدت دولت برداشته شود. این افرادی که روزانه جان خود را از دست می‌دهند هر کدام خانواده‌هایی دارند و این خانواده‌ها به‌واسطه مرگ عزیزان خود زیر فشار روحی قرار می‌گیرند و خیل عظیمی از جمعیت را در گیر خود می‌کند. به همین علت ضرورت دارد تا دولت حداقل مقداری از فشار اقتصادی بر دوش مردم بکاهد. باید یک راهکار در کوتاه مدت وجود داشته باشد. در گذشته اقدامات زیادی در چنین شرایطی انجام می‌شد و امروز باید هرچه سریع‌تر دولت اقدامی انجام دهد تا مردم مشاهده کنند به واقع دولت به جامعه توجه دقیق و موثر دارد. سکوت مطلق مسیری نیست که دولتمردان ایرانی در برابر مشکلات مردم باید در پیش گیرند. همین انتقاد را به برخی دولتی‌های امروز نسبت به دولت گذشته داشتند اما خود نیز آن رویه را در پیش گرفته‌اند. مشخصا تورم ۴۵ درصدی را در کوتاه مدت نمی‌توان به ۵ درصد رساند اما در نگاهی واقع گرایانه انتظار داریم که این تورم ۴۵ درصدی بیشتر نشود و یا حداقل ۵ درصد کاهش پیدا کند. این اتفاق محال نیست و با یک برنامه‌ریزی کوتاه مدت می‌توان به آن دست یافت و به دنبال آن مردم را به آینده امیدوار کرد. متاسفانه تورم علاوه بر اینکه ثابت نمانده است، روز به روز بیشتر می‌شود و مردم در تهیه مایحتاج اولیه خود نیز دچار مشکل شده‌اند.

> هیچ کس انتظار ندارد ظرف مدت دو ماه مشکلات حل شود اما حداقل می‌توان گفت که دستور العمل دولت برای ۶ ماه ابتدایی چیست؟ امروز وضعیت اقتصادی به‌گونه‌ای است که زندگی کردن برای مردم سخت شده است

چالش‌های دولت در حوزه سیاسی و اقتصادی بر مسائل اجتماعی تاثیرگذار خواهد بود؟

رویه‌ای که در حوزه سیاست و اقتصاد وجود دارد در حوزه اجتماعی نیز تکرار شده اس ت و مسائل مهمی در حوزه اجتماعی وجود دارد که بلاتکلیف هستند و دولت سیزدهم نسبت به آنها سکوت اختیار کرده است. هیچ کس نمی‌داند که این سکوت به چه علت است. امروز طرح‌های مهمی در مجلس در حال تصویب هستند که دولت نسبت به آنها سکوت اختیار کرده است. همین طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی که در دستور کار مجلس است، چرا دولت نسبت به آن بی تفاوت است. دولت در شورای عالی فضای مجازی اختیاراتی دارد و سران قوا در این شورا نقش آفرینی می کنند اما امروز عملا نقش آنها بی تاثیر است و دولت از تصمیم گیری در این حوزه کنار گذاشته شده است در حالی که تصویب طرح صیانت کاربران فضای مجازی ممکن است اشتغال نزدیک به ۲ میلیون نفر را به خطر اندازد که دولت باید در قبال این شغل‌های از دست رفته پاسخگو باشد. امروزصرفا یک کمیسیون مجلس و ۴ کارشناس در حال تصمیم گیری در خصوص فضای مجازی کشور هستند که این به هیچ شکل قابل قبول نیست. فضای مجازی که با وجود خوبی‌ها و بدی‌هایی که دارد قسمتی از اقتصاد ایران را به حرکت درآورده و تعطیلی آن می‌تواند بسیار مضر باشد. این یک مساله بزرگ است و صدای اعتراض مردم را نسبت به آن می‌شنویم اما دولت همچنان سکوت کرده است و به اعتراض مردم توجهی ندارد. مسئولان علت هر اقدامی را که انجام می‌دهند باید به مردم بدهند. رای دهندگان به دولت سیزدهم انتظار داشته‌اند که در کوتاه مدت اندکی وضع کشور بهتر شود اما این اتفاق فعلا در حد مطلوب رخ نداده و مسئولان دولتی باید پاسخگوی این مسائل باشند. دیداری با معاون زنان ریاست جمهوری داشتیم و ایشان نیز تاکید داشت که مسائل مربوط به زنان و جامعه و خانواده‌ها حل شود اما برنامه‌ای در حوزه زنان و خانواده وجود نداشت. حوزه تصمیم گیری و برنامه ریزی در دایره اختیارات دولت است و امروز شهروندان منتظر دیدن تصمیم گیری‌های دولت هستند تا روند اداره کشور بهتر شود و مردم زندگی بهتری داشته باشند. زنان در دنیای سیاسی جریان منتسب به دولت در عرصه‌های مختلف مدیریتی و غیره جدی گرفته نشدند. نحوه انتصاب‌ها و رویکردها نسبت به زنان در دولت و حتی در مجلس یازدهم که در دست یک جریان خاص است رویکردی توام با عدم توجه به حوزه زنان است. حتی زنان برای حضور در هیأت رئیسه مجلس با پاسخ منفی رو به‌رو شدند عده‌ای پیام‌ها و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و همچنین رهبری را نسبت به زنان باور ندارند. همچنان می‌خواهند بین مسائل سیاسی و زنان خط کشی کنند و این قشر از جامعه را در عرصه مسائل سیاسی مشارکت ندهند و حتی به نظرم بدشان نمی‌آید در عرصه اقتصادی مشارکت ندهند. در حالی که دوره این نوع نگرش‌ها سپری شده است و زنان به آن حد از بلوغ و خودباوری رسیده‌اند که می‌توانند نه تنها در مقدرات اصلی کشور مشارکت داشته باشند بلکه حتی می‌توانند راهبردهای موثری تعیین کنند، زیرا به آن حد از دانش و علوم رسیده‌اند که بتوانند اقدامات مثبتی را انجام دهند.

رئیس جمهوری در ادامه سفرهای استانی خود دیروز گذشته به استان اردبیل سفر کرد. این سفرها به تنهایی می تواند گره‌ای از مشکلات اصلی کشور باز کند؟

باید توجه داشت که رئیس دولت و مسئول اجرایی کشور باید به تمام نقاط کشور سفر کند و چالش‌ها را از نزدیک تماشا کند و سرکشی به شهرهای مختلف که امروز دولت در دستور کار قرار داده است به هیچ وجه نمی‌تواند بد باشد. اینکه مردم از نزدیک مسئولان خود را ببینند و با آنها صحبت کنند یک اتفاق خوب است. مسئولان کشور نباید در اتاق‌های خود و به دور از مردم باشند. دولتمردان باید در میدان مشکلات حضور داشته و با مشاهده از نزدیک گره از امور مردم باز کنند. به همین علت سفر به استان‌های مختلف نمی‌تواند بد باشد زیرا ظرفیت‌های کشور شناخته می‌شود و می توان بر اساس این ظرفیت‌ها تصمیم گیری بهتری داشت. نکته مهم این است که در کنار این سفرها تصمیم گیری و برنامه ریزی وجود داشته باشد تا گره زندگی مردم باز شود. امروز دولت نباید وقت خود را صرف مسائل حاشیه‌ای کند. هنوز آنگونه که انتظار می‌رفت دولت و مجلس هماهنگ نیستند و یک تنش درون جناحی وجود دارد که نباید در امور کشور تنش نقش آفرینی کند. امیدواریم هم سویی دولت و مجلس منتج به نتایج خوب برای کشور شود نه اینکه درگیر مسائل حاشیه‌ای شویم.

یادداشت

یک پرسش انسانی

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

یقیناً بیشتر شهروندان و نخبگان «میهن‌دوست»، صرف‌نظر از گرایش‌های فکری، سیاسی و منفعتی، پیرامون یک امر اجماع‌نظر دارند. اینکه با توجه به ذخایر و منابع سرشار ملی، شهروندان میهن‌دوست، جوانان با انگیزه و اراده، جغرافیای بی‌نظیر و... وجود این همه چالش‌ها که زیست شهروندان را به‌طور باورنکردنی دشوار کرده است؛ غیراخلاقی، غیر قابل فهم و... است. بنابراین با توجه به انبوه چالش‌های اجتماعی و ملی، طرح چند پرسش، نه تنها لازم بلکه ضروری است، «آیا حکومت‌ها مجاز هستند به شهروندان خود آسیب برسانند؟»، آیا انسانی، اخلاقی، دینی و... است که شهروندان (انسان‌ها) در پناه حکومت‌ها، زیست غیرانسانی را تجربه کنند؟، آیا خطاست اگر ادعا شود، فلسفه وجود و کارکرد حکومت‌ها ایجاد امنیت، رفاه و آرامش برای «شهروندان خود» می‌باشد؟، آیا خطاست اگر گفته شود «آرمان‌ها و اهداف سیاسی» که منجر به زیستی انسانی نشوند، باید کنار گذاشته شوند؟، آیا شهروندان مجاز هستند برای ایجاد امنیت، آرامش و رفاه نسبی تلاش کنند؟ به عبارتی، آیا قانون یا قاعده‌ای زمینی یا آسمانی وجود دارد که یک انسان را از تلاش برای صیانت از جان و ایجاد بقایی همراه با آرامش، امنیت و رفاه نسبی منع کند؟، آیا خطاست اگر ادعا شود؛ «هیچ قانون، اندیشه، باور، اعتقاد و... مجاز نیست تا یک انسان (شهروند) را از تلاش برای بودن و با کیفیت بودن»، منع کند؟، و... در عالم ملموس، زمینی و قابل فهم انسانی، هیچ سنگ محکی، کاربردی و با ارزش‌تر از اخلاق نیست. صاحب‌منصبان، کارگزاران و نهادهای حاکمیتی، اخلاقاً موظف هستند پاسخ دهند که چرا شهروندان ایران زمین با وجود منابع سرشار طبیعی و انسانی، باید این همه درد و رنج، سختی، ناامیدی، نگرانی و... را متحمل شوند؟ یا به بیان دیگر در راستای کدام هدف والای «ملی و انسانی» شهروندان ایران‌زمین باید این همه سختی، ناامیدی، درد و رنج، افسردگی، نگرانی، فشار و... را متحل شوند؟ نقد منصفانه و دلسوزانه کارگزاران، صاحب‌منصبان و دولت‌ها باید مبتنی بر عملکرد باشد. بنابراین یک امر طبیعی است که باید به دولت سیزدهم نیز فرصت داده شود تا براساس دستاوردهای عینی و قابل سنجش، ارزیابی شود. از آنجا که نگارنده ریشه بیشتر چالش‌های اجتماعی و ملی را «ساختاری» و نه عملکرد برخی بخش‌ها، صاحب‌منصبان و نهادهای گوناگون می‌داند، از این‌رو، «ساختار مدیریت کلان» در این موجز مورد توجه می‌باشد. هنگامی که یک ساختار از هر نوعی (سیاسی، اقتصادی، دفاعی و...) دارای چالش‌های بنیادی باشد، تحلیل و ارزیابی یا تلاش برای بهبود اجزای ساختار؛ اتلاف هزینه، نیرو و زمان خواهد بود. حکمرانی در جهان خردبنیاد معاصر؛ فعالیتی شفاف، بدیهی و قابل سنجش برای همه شهروندان تحت حمایت یک سازمان حکمرانی می‌باشد. اینکه حکمرانی، تبلور عینی اراده و خردملی (جمعی) برای ایجاد رفاه، آرامش و امنیت برای شهروندان می‌باشد. اینکه یک فرمول بسیار ساده و بدیهی است که «اهداف و آرمان‌های سیاسی ملی»، قطعاً منجر به رفاه، آرامش و امنیت برای همه شهروندان خواهد شد. بنابراین زیست اجتماعی پرچالش همراه با انواع دشواری‌ها یک پارادوکس قابل تامل است. برای برون‌رفت از شرایط پرچالش و اجتناب از آینده‌ای پرمخاطره و مبهم، ضروری است تا میهن‌دوستان در همه سطوح، «اهداف و آرمان‌های مدیریت کلان و نه پیامدهای ناشی از انواع سیاست‌ها را تحلیل، ارزیابی، تبیین و نقد کنند.» به‌عنوان مثال تحلیل، نقد و ارزیابی روابط خارجه پرهزینه، «بدون در نظر گرفتن و تبیین اهداف و آرمان‌هایی آشکار و پنهان راهبرد روابط خارجه»، حرکت در چرخه باطل، بی‌حاصل و اتلاف نیرو و زمان خواهد بود.

دیدگاه

حکمرانی و ناخرسندی خانواده در ایران

ادامه از صفحه اول / برخورداری‌های میان خانواده‌ها را افزایش داده و ناخرسندی روانی و نارضایتی از زندگی ایجاد می‌کند. برخی از خانواده‌ها دائماً در مقایسه با دیگران «عقب‌ماندگی» را احساس کرده و ضمن افزودن بر تلاش‌های مادی‌گرایانه، چرخه تمام‌نشدنی نارضایتی- مادی گرایی- نارضایتی را طی می کنند. چهار؛ حکمرانی با ارائه نظام آموزشی ناکارآمدی که همه راه‌های زندگی نوجوانان و جوانان را به‌نوعی به کنکور ختم می کند، برقراری انواع سهمیه‌ها برای قبولی کنکور و عملاً مداخله بسیار ناکارآمد، ناعادلانه و مستعد فساد که رقابت در کنکور را مخدوش می‌سازد، وجود تهدید سربازی برای پسرانی که در کنکور قبول نمی‌شوند و ایجاد فشار غیرمستقیم برای فرستادن فرزندان به خارج از کشور (برای اقشاری که توانایی مالی دارند)، فقدان آرامش و نارضایتی را در عمق روان والدین و خانواده در تمام سال‌های تحصیل فرزندان تزریق می‌کند. پنج؛ بروز وضعیت اقتصادی و سیاسی مولد نارضایتی از وضع موجود و ناامیدی به آینده، شمار زیادی از خانواده‌ها را در معرض وسوسه مهاجرت به خارج از کشور، فشارهای مادی و روانی ناشی از آن و گاه دوپاره شدن خانواده، به علاوه فشارهای روانی ناشی از عدم توافق میان اعضای خانواده درخصوص مهاجرت یا ماندن، قرار می‌دهد. شش؛ نظام بانکی ناعادلانه که فاقد خصیصه «دسترسی عادلانه» همه اقشار به منابع مالی است، عملاً در مسیر نابرابرتر ساختن جامعه به تشدید مقایسه‌های اجتماعی، احساس خسران در زندگی، نارضایتی مقایسه‌ای و تشدید نارضایتی در خانواده می‌انجامد. نظام بانکی در راستای تقویت برابری و عدالت اجتماعی عمل نمی‌کند. سیاست‌های حکمرانی در ایران بر اساس سازوکارهای برشمرده شده (و البته مواردی بیشتر که در حوصله این نوشتار نیست) به شیوه‌های مختلف خانواده را آزار می‌دهد و عملاً برخلاف گفته‌ها و مقاصد خود برای تقویت بنیان خانواده حرکت می‌کند. حکمرانی وقتی با این خصیصه‌های ساختاری بنیان خانواده را تضعیف کرده و خانواده را می‌آزارد، سخن گفتن حکمرانان از تقویت بنیان خانواده، ارائه جایزه به کسانی که فرزندآوری کنند و تکریم خانواده، آب در هاون کوفتن یا بدتر از آن، انگشت کردن در چشم شنونده است.

تجـــــــارت ایران باهمسایـــــــگان؛ نیمه نخست ۱۴۰۰

به گزارش سید روح‌اله لطیفی سخنگوی گمرک، در نیمه نخست امسال بیش از ۴۷ میلیون تن کالا به ارزش ۲۲ میلیارد و ۵۸۸ میلیون دلار بین ایران و ۱۵ کشور همسایه مبادله شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر ارزش ۵۲ درصد رشد داشته است.